

فهرست مطالب:

[واجبات نماز 1](#_Toc51172983)

[صاحب عروه : تحدید واجبات به یازده واجب 1](#_Toc51172984)

[*توجیه آقای حکیم: مراد ایشان واجباتی است که در عرض همند* 2](#_Toc51172985)

[محقق خوئی: تحدید واجبات به نه واجب 2](#_Toc51172986)

[*مناقشه: طبق مبنای شما وضع مساجد سبعه نیز باید از اجزاء نماز باشد 2*](#_Toc51172987)

[*محقق خویی: شمول حدیث لاتعاد نسبت به تارک سهوی وضع مساجد سبعه (بدلیل واجب مستقل بودن آن) 3*](#_Toc51172988)

[*به مقتضای ظاهر ادله، وضع مساجد سبعه شرط صحت شرعی سجود است نه یک واجب مستقل 4*](#_Toc51172989)

[*حکم اخلال سهوی به وضع مساجد در سجده واحده 4*](#_Toc51172990)

[*حکم اخلال سهوی به وضع مساجد در سجدتین قبل از ورود به رکن بعد 5*](#_Toc51172991)

[*شبهه: چرایی عدم وجوب تدارک سجده دوم طبق مبنای مشهور 5*](#_Toc51172992)

[تعریف رکن 6](#_Toc51172993)

[*اشکال آقای سیستانی به تعریف صاحب عروه از رکن 7*](#_Toc51172994)

[*عدم فرض زیاده سهویه در نیت و قیام 7*](#_Toc51172995)

[*آقای سیستانی: رکن اعم از فریضه و سنت است 8*](#_Toc51172996)

**موضوع:** صلاه/واجبات صلات /تعداد واجبات/ تعریف رکن

# واجبات نماز

## صاحب عروه : تحدید واجبات به یازده واجب

صاحب عروه فرمود واجبات نماز یازده تا است، ارکانش پنج تا است.

اشکال‌هایی به ایشان مطرح شد:

اشکال اول این بود که چرا فرمودید واجبات نماز یازده تا است؟ غیر از این یازده تا (نیت، قیام، تکبیرةالاحرام، رکوع، سجود، قرائت، ذکر، تشهد، سلام، ترتیب و موالات) واجبات دیگر هم داریم؛ طمأنینه در نماز واجب است، وضع مساجد سبعه در سجود لازم است، جلوس در حال تشهد لازم است، جلوس بین السجدتین لازم است، جلسه استراحت بعد از سجدتین به نظر مشهور لازم است.

### توجیه آقای حکیم: مراد ایشان واجباتی است که در عرض همند

آقای حکیم فرمودند ممکن است توجیه کنیم بگوییم ایشان مقصودشان واجباتی بود که در عرض هم هستند نه شرائط اجزاء نماز، واجب فی الواجب‌ها که شرائط اجزاء نماز هستند، ‌آن‌ها را نمی‌خواسته بگوید. و لذا طمأنینه شرط اجزاء نماز است، وضع مساجد سبعه شرط سجود در نماز است. این توجیه آقای حکیم درست نیست. برای این‌که باز هم این تقسیم‌بندی ناقص است؛ جلوس بین السجدتین جزء شرائط اجزاء نماز نیست؛ جزء افعال نماز است.

## محقق خوئی: تحدید واجبات به نه واجب

مرحوم آقای خوئی فرمودند به نظر ما چون صاحب عروه قبلا شرائط نماز را شروع کرده ، طهارت از حدث از خبث، استقبال قبله، ‌وقت، ‌الان می‌‌خواهد واجبات صلات را به معنای اجزاء صلات بیان کند؛ اجزاء‌ صلات نه تا بیشتر نیست. همین یازده تا که صاحب عروه مطرح کرد سه تایش را خارج کنید، نیت که قصد قربت است شرط صلات است نه جزء صلات، ترتیب شرط اجزاء‌ نماز است، موالات شرط اجزاء نماز است. اجزاء نماز غیر از این سه تا که خارج کردیم، ‌آن هشت تای دیگری که صاحب عروه گفته هست به اضافه جلوس بین السجدتین و یا جلسه استراحت بناء بر قول به وجوب آن. پس اجزاء نماز می‌‌شود نه تا.

### مناقشه: طبق مبنای شما وضع مساجد سبعه نیز باید از اجزاء نماز باشد

ما اشکال‌مان به آقای خوئی هم این است: شما طبق مبنای خودتان وضع مساجد سبعه در زمین شرط سجود نیست، شرط جزء نیست؛ واجب مستقل است. چه جور جلوس بین السجدتین واجب مستقل است، چه جور ذکر در سجود واجب مستقل است، شرط سجود نیست، یعنی نماز مرکب است از سجود و ذکر در حال سجود، و امور دیگر. فرق می‌‌کند با شرائط سجود مثل این‌که باید محل پیشانی پاک باشد، او شرط سجود است. اما آقای خوئی فرموده وضع مساجد سبعه غیر از وضع پیشانی بر ما یصح السجود علیه آن یک واجب مستقلی است در ضمن سجود، شرط صحت سجود نیست. جناب آقای خوئی! طبق مبنای شما پس وضع مساجد سبعه هم می‌‌شود جزء دهم غیر از این نه جزئی که شما نام بردید.

#### محقق خویی: شمول حدیث لاتعاد نسبت به تارک سهوی وضع مساجد سبعه (بدلیل واجب مستقل بودن آن)

چرا آقای خوئی فرموده وضع مساجد سبعه جزء‌ مستقلی است، شرط سجود نیست؟ به این مناسبت: آقای خوئی معتقد است حدیث لاتعاد که گفته لاتعاد الصلاة الا من خمس الوقت و القبلة و الطهور و الرکوع و السجود، مستثنی سجود ماموربه است، رکوع ماموربه است و لذا می‌‌گوید ‌اگر بر جایی که سجود بر آن صحیح نیست سجده کرد و لو سهوا، نمازش باطل است چون اخلال به سجود ماموربه کرده.

بعد به ایشان نقض می‌‌کنند می‌‌گویند پس شما باید کسی را که ذکر سجود را سهوا نگفت بگویید نمازش باطل است. ایشان می‌‌گوید مگر ذکر سجود شرط صحت سجود است؟ یک واجب مستقلی است. در سجود ماموربه واجب است ذکر سجود، شما وقتی سجده کردید، ‌سر از سجده برداشتید یادتان آمد ذکر سجده را نگفتید، اگر بخواهید مجددا سجده کنید و لو یک سجده، ذکر سجود بگویید، فایده ندارد. چون امر شدید به ذکر سجود در ضمن سجود ماموربه، ‌سجود ماموربه همان سجود اول بود که شما فراموش کردید ذکر آن را و او که صحتش مشروط نبود به ذکر. و لذا حدیث لاتعاد می‌‌گوید اگر من فراموش کردن ذکر این سجود را نبخشم مجبور هستید نماز را اعاده کنید و این خلاف حدیث لاتعاد است.

بعد آقای خوئی فرموده: اگر شما بگویید بعد از رفع رأس از سجود اگر من بفهمم که یکی از مواضع سبعه‌ام غیر از پیشانی روی زمین نبوده، ‌آنجا باید بگویید اگر یک سجده است آن یک سجده را تدارک کنم اگر دو سجده بوده نماز باطل است چون اخلال به سجده ماموربه است. ایشان فرموده نه این را هم ما قبول نداریم. وضع مواضع سبعه غیر از وضع جبهه واجبٌ فی واجب یعنی واجب مستقل، شرط صحت سجود نیست، مثل ذکر. بعد از این‌که سر از سجده برداشتید محل آن گذشت. شبیه این‌که بروید رکوع یادتان بیاید حمد و سوره نخواندید، اینجا هم سر از سجده برداشتید یادتان آمد این واجب مستقل را در ضمن سجود ترک کردید. مراد ما از واجب مستقل این است که در عرض سجود است نه این‌که امر استقلالی دارد، امر استقلالی رفته روی مرکب نماز که یک جزئش سجود است جزء دیگرش هم وضع المواضع السبعة فی زمان السجود است. این‌ها دو جزء مستقل هستند در این مرکب ارتباطی نماز. شما وقتی سر از سجده بردارید یادت بیاید وضع مواضع سبعه نکردی اگر حدیث لاتعاد اخلال به این وضع مواضع سبعه را نگذرد و نبخشد چه کار می‌‌خواهی بکنی؟ اگر یک سجده باشد آن سجده را تدارک می‌‌کنی اما اگر دو سجده باشد که نمی‌شود دو سجده را تدارک کرد زیاده دو سجده لازم می‌آید، نماز باطل می‌‌شود. اما خوشبختانه وضع مواضع سبعه شرط سجود نیست، اگر شرط سجود بود کار خراب می‌‌شد. اگر شرط صحت سجود باشد آقای خوئی می‌‌گوید حدیث لاتعاد نمی‌تواند این نماز را تصحیح کند چون اخلال به سجود ماموربه کرده.

این فرمایش آقای خوئی نتیجه‌اش این می‌‌شود که وضع مواضع سبعه هم بشود یک واجب مستقل. آن وقت چرا فقط نه جزء دارد نماز؟ جزء دهم باید ایشان می‌‌گفت، وضع مواضع سبعه.

#### به مقتضای ظاهر ادله، وضع مساجد سبعه شرط صحت شرعی سجود است نه یک واجب مستقل

و اساسا فرمایش ایشان بر خلاف ظاهر است. انما السجود علی سبعة اعظم، این ظاهرش این است که اصلا سجود ماموربه را مختص می‌‌داند به سجود بر مواضع سبعه. بله سجود عرفی اعم است ولی این ظاهرش این است که سجود ماموربه سجود بر هفت عضو است. اگر ما نگوییم که اخلال به شرائط سجود اخلال به سجود عرفی چون نیست مشمول حدیث لاتعاد است مثل آقای خوئی بگوییم اخلال به شرائط شرعی سجود داخل در مستثنای حدیث لاتعاد است اخلال به سجود ماموربه است کار مشکل می‌‌شود. ولی چون ما معتقدیم که اخلال به شرائط شرعی سجود بعد از تحقق مسمای سجود داخل در عقد مستثنی‌منه حدیث لاتعاد است چون عرفا این اخلال به سجود نیست و لذا حدیث لاتعاد باید بیاید تصحیح کند این نمازی را که وضع مواضع سبعه نکردیم.

#### حکم اخلال سهوی به وضع مساجد در سجده واحده

البته در یک سجده کار مشکل است. نمی‌دانم چرا فقهاء در یک سجده هم گفتند لازم به تدارک نیست، اگر بعد از این‌که سر از سجده اول برداشت متوجه شد که دستش روی زمین نبوده، این نیاز به تدارک ندارد. آقای خوئی توجیه کرد گفت چون وضع مواضع سبعه یک واجب مستقلی است در ضمن سجود ماموربه که همان سجودی است که انجام داد، ‌شرط صحت سجود نیست. اما ظاهر مشهور این است که شرط صحت سجود می‌‌دانند؛ آن وقت اگر سجده واحده باشد که مشمول حدیث لاتعاد نیست. چون از عدم عفو از اخلال به این شرط اعاده نماز لازم نمی‌آید. یک سجده است، ما نمی‌بخشیم تو را، وضع مواضع سبعه نکردی بر زمین خب یک بار دیگر سجده بکن مشکلی پیش نمی‌آید. فوقش آن سجده اول می‌‌شود زیاده یک سجده واحده سهوا، او هم که مبطل نماز نیست.

و لذا ما از نظرمان مشکل است کسی که بعد از یک سجده بفهمد که وضع مواضع سبعه نکرده چون شرط صحت سجود است ظاهر عرفی ادله، ‌حدیث لاتعاد هم که اینجا جاری نمی‌شود چون اگر شارع حدیث لاتعاد را اینجا جاری نکند مستلزم بطلان و اعاده نماز نیست، خب یک سجده را تدارک بکند.

#### حکم اخلال سهوی به وضع مساجد در سجدتین قبل از ورود به رکن بعد

بلکه اشکال را بالاتر بگویم. اگر دو سجده این‌طور بود ولی هنوز داخل در رکن بعدی نشده، آن سجده اول را اگر حدیث لاتعاد نگیرد نماز باطل می‌‌شود چون مجبورم هم او را تدارک کنم هم سجده دوم را می‌‌شود زیاده رکن اما حدیث لاتعاد به چه دلیل سجده دوم را می‌‌گیرد؟ مقتضای صناعت این است که سجده دوم را تکرار کنم. حدیث لاتعاد سجده اول را می‌‌گیرد چون اگر او را هم نگیرد چه کار می‌‌خواهم بکنم دو سجده را بخواهم تکرار کنم که می‌‌شود زیاده رکن ولی سجده دوم را چرا بگیرد. بله اگر رکوع کردم بعد ملتفت شدم آنجا حدیث لاتعاد باید بیاید چون اگر نیاید نمازم محکوم به بطلان می‌‌شود.

ما حرف‌مان این است چون ظاهر ادله این است که وضع مواضع سبعه شرط سجود است، انما السجود علی سبعة اعظم این حکومت دارد یعنی غیر از این سجود نیست. وقتی این‌جور شد می‌‌شود شرائط سجود، شرائط سجود ما به نظرمان مشمول حدیث لاتعاد است چون مقوم صدق عرفی سجود نیست. اما نسبت به سجده واحده که حدیث لاتعاد جاری نیست. اگر سجده واحده را من این‌جور کردم لاتعاد الصلاة که نمی‌آید اینجا حرفی بزند. چرا؟ برای این‌که از حکم به بطلان این سجده واحده که اعاده نماز لازم نمی‌آید. این لاتعاد خاص به سجده واحده، حالا که در محل خودش هستی، سجده واحده را ناقص بجا آوردی سهوا، ‌خب الان امر داری به سجده تامه، آن سجده قبلی می‌‌شود مصداق من نسی فزاد سجدة، الان ‌که داری اتیان به ماموربه می‌‌کنی. این در جایی که یک سجده را با این مشکل مواجه بشوی.

#### شبهه: چرایی عدم وجوب تدارک سجده دوم طبق مبنای مشهور

اگر دو سجده را با این مشکل مواجه شدی ولی هنوز داخل در رکوع نشدی که محل رکنی این سجود باقی است شبهه ما این است و لو خلاف مشهور است ولی ما این شبهه را داریم که این سجود دوم من سجود ماموربه نبوده. اگر حدیث لاتعاد جاری نشود که نماز محکوم به بطلان نیست این سجده ثانیه را تدارک می‌‌کنم. بله اگر سجده اولی هم مشمول حدیث لاتعاد نباشد آن وقت من چه بکنم؟ باید دو سجده بجا بیاورم می‌‌شود چهار سجده نمازم باطل می‌‌شود و اگر هم بخواهم اعتناء نکنم نقصان سجدتین ماموربهما می‌‌شود عن عمد و التفات چون هنوز محل باقی است.

ما می‌‌گوییم آقای خوئی فرموده سجود ماموربه و اگر کلام مشهور را هم اضافه کنیم که وضع مواضع سبعه شرط سجود است، بنابراین اصلا حدیث لاتعاد جاری نمی‌شود، ‌این نماز محکوم به بطلان است و لو بعد از رکوع ملتفت بشوم چون اخلال کردم به سجود ماموربه. ولی اگر قبل از رکوع ملتفت بشوم که محل تدارک این سجده‌ها باقی است، اینجا ما حرف داریم. یک وقت بحث بعد از رکوع است، ‌آقای خوئی می‌‌گوید اخلال به سجود شرعی مبطل نماز است اگر بعد از رکوع ملتفت بشوی، وضع مواضع سبعه هم اگر شرط شرعی سجود باشد این نماز محکوم به بطلان است. ما اینجا وفاقا للمشهور می‌‌گوییم اخلال به شرائط سجود اخلال به سجود عرفی نیست وفاقا للسید السیستانی و الشیخ الاستاذ و کثیر من الاعلام. این یک بحث است. اما قبل از رکوع مشهور گفتند اگر بعد از رفع رأس از سجود ملتفت بشود که وضع مواضع سبعه نکرده نیاز به تدارک سجده ندارد و لو قبل از رکوع، ‌آقای خوئی هم توجیه کرد گفت بله ما هم همین را می‌‌گوییم چون وضع مواضع سبعه از شرائط صحت سجود نیست مثل ذکر سجود است واجب مستقلی است. اینجا ما حرف داریم. می‌‌گوییم ما که نمی‌توانیم این را بپذیریم، ‌خلاف ظاهر ادله است که بگوییم وضع مواضع سبعه شرط صحت سجود نیست، انما السجود علی سبعة اعظم، ‌ظاهرش این است که شرط صحت سجود است و اینجا ما دیگه یک اشکالی داریم بر همه. می‌‌گوییم اگر شارع بگوید سجده واحده را تدارک کن هنوز هم من داخل در رکوع نشدم این موجب بطلان نماز است؟ نه. وقتی موجب بطلان نماز نیست، خب حدیث لاتعاد جایی جاری می‌‌شد که اگر جاری نمی‌شد حکم به بطلان نماز می‌‌شد. سجده واحده اگر هست مواضع سبعه را روی زمین قرار ندادید هنوز محلش باقی است او را تدارک کنید. اگر دو سجده هم هست، بالاتر گفتیم، اگر دو سجده هم هست، ‌سجده ثانیه را تدارک کنید. سجده اولی بناء بر نظر صحیح که حدیث لاتعاد اخلال به شرائط شرعی سجود را می‌‌گیرد او مشمول حدیث لاتعاد بشود، در جایی که من هر دو سجده را من این مشکل را در آن داشتم، ‌ما قبول داریم سجده اولی مشمول حدیث لاتعاد است اما سجده ثانیه که قابل تدارک است او چرا مشمول حدیث لاتعاد باشد. حرف ما این است. این را تامل کنید ببینید می‌‌شود با مشهور موافقت کرد؟ نه از راهی که آقای خوئی رفته که گفته وضع مواضع سبعه واجب مستقل است او خلاف ظاهر است. از راه خودش که با این‌که شرط شرعی سجود است اما چطور امکان تدارک سجده واحده است اما مشهور می‌‌گویند تدارک آن نیازی نیست.

## تعریف رکن

اشکال دوم اشکال به تعریف رکن بود که ‌هم آقای خویی و هم آقای سیستانی فرمودند چرا صاحب عروه می‌‌گوید رکن آن چیزی است که زیاده و نقیصه‌اش مبطل نماز است؟ این درست نیست. چرا؟ برای این‌که ما یک حدیث لاتعاد عامی که داریم لاتعاد الصلاة الا من خمس الوقت و القبلة و الطهور و الرکوع و السجود باید ببینیم این حدیث لاتعاد زیاده را می‌‌بخشد در مثل زیاده تکبیرةالاحرام، ‌زیاده رکوع، ‌زیاده سجود، یا نمی‌بخشد.

### اشکال آقای سیستانی به تعریف صاحب عروه از رکن

آقای سیستانی فرمودند به نظر ما حدیث لاتعاد هم زیاده سهویه تکبیرةالاحرام را می‌‌گیرد هم زیاده سهویه سجدتین و رکوع را می‌‌گیرد. چرا؟ برای این‌که ذیل حدیث لاتعاد بود که السنة لاتنقض الفریضة که حدیث لاتعاد صغرایی از این کبری است. هر کجا اخلال به سنت بود نماز باطل نمی‌شود اگر عن عذر اخلال کردیم، ‌هر کجا اخلال به فریضه بود نماز باطل می‌‌شود و لو سهوا اخلال بکنیم. آنی که فریضه است یعنی خدا آن را بیان کرده است این است که باید رکوع بجا بیاورید. اما این‌که زیاده رکوع ممنوع است این‌که در قرآن بیان نشده، فرض الله نیست این در روایات بیان شده. منتها چون برخی از روایات است که ممکن است از آن استفاده بکنند بعضی‌ها که زیاده سهویه رکوع مبطل است ایشان احتیاط واجب می‌‌کند. اما در تکبیرةالاحرام نه، زیاده سهویه تکبیرةالاحرام چرا مبطل باشد، نقیصه‌اش مبطل است چون دلیل خاص داریم زیاده سهویه چرا مبطل باشد که آقای خوئی این مطلب را در تکبیرةالاحرام قبول کرده گفته درست است نسیان سهوی تکبیرةالاحرام مبطل است اما زیاده سهوی تکبیرةالاحرام چرا مبطل باشد؟ لاتعاد الصلاة الا من خمس.

آقای سیستانی در طواف هم می‌‌گوید اگر کسی از روی جهل قصوری به جای هفت شوط هشت شوط بجا بیاورد ، ‌همین السنة لاتنقض الفریضة را پیاده می‌‌کنیم. قرآن می‌‌گوید طواف کنید طواف هم هفت شوط دارد نگفته بیشتر طواف نکنید، ‌نگفته هشت شوط بجا نیاورید، ‌روایات گفته زیاد نکنید اشواط طواف را، می‌‌شود سنت. ایشان می‌‌گوید چون روایاتی دارید که ممکن است معنایش این باشد که زیاده رکوع و لو سهوا مبطل باشد ما احتیاط واجب می‌‌کنیم اما در طواف نه، زیاده اشواط طواف عن عذر می‌‌گوییم موجب بطلان طواف نیست السنة لاتنقض الفریضة.

### عدم فرض زیاده سهویه در نیت و قیام

اما راجع به این‌که صاحب عروه فرمود در نیت زیاده سهویه فرض نمی‌شود، چون نیت یعنی قصد قربت، زیاده معنا ندارد در آن، فرمودند درست است، ‌این هم آقای خوئی دارند هم آقای سیستانی دارند، ‌اما اختصاص به نیت ندارد. زیاده سهویه قیام هم فرض نمی‌شود. قیام رکنی. چرا؟‌ برای این‌که قیام رکنی یا قیام در حال تکبیرةالاحرام است که معنا ندارد زیاده قیام در حال تکبیرةالاحرام مگر به زیاده خود تکبیرةالاحرام، ‌دو بار تکبیرةالاحرام بگوید بشود دو تا قیام. و الا یک تکبیرةالاحرام دیگر معنا ندارد قیام زایده در آن. اگر دو بار تکبیرةالاحرام بگوید داخل می‌‌شود در همین زیاده سهویه تکبیرةالاحرام که گفتند مبطل نیست. یکی هم قیام قبل از رکوع است قیام قبل از رکوع رکن است او هم قابل زیاده نیست مگر با زیاده رکوع دو بار رکوع کنی می‌‌شود دو تا قیام قبل از رکوع. آن هم موجب زیاده رکوع است که مطلب درستی هست این مطالب.

### آقای سیستانی: رکن اعم از فریضه و سنت است

یک نکته‌ای آقای سیستانی دارند این را هم عرض کنم. آقای سیستانی فرمودند رکن اعم از فریضه است؛ ‌ممکن است یک چیزی رکن باشد فریضه نباشد. یعنی فرض الله نیست، ‌در قرآن بیان نشده، ولی رکن نماز است. مثل تکبیرةالاحرام. ایشان می‌‌گوید تکبیرةالاحرام ما به نظرمان سنت است. در خصال هم حدیث لاتعاد که نقل شده در ذیلش دارد القراءة سنة التشهد سنة و التکبیر سنة. تکبیرةالاحرام سنت است. ولی دلیل خاص داریم تکبیرةالاحرام با این‌که سنت است ترک سهویش هم مبطل است. و لذا ما مناسب می‌‌دانیم همین تعبیر را بکنیم اخلال به ارکان و لو سهوا مبطل نماز است و رکن اعم از فریضة الله است.

تامل بفرمایید ببنیم این فرمایش آقای سیستانی درست است یا نه ان‌شاءالله فردا.

و الحمد لله رب العالمین.